

# مفاوضات - تفسير باب يازدهم از مكاشفات يوحنا

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



تفسير باب يازدهم از مكاشفات يوحنا - مفاوضات - اثر حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه

طبع سنه ۱۹۰۸ م

در باب يازدهم آيه اول از مكاشفات يوحنا ميفرمايد " و نئی مثل عصا بمن داده شد و مرا گفت برخيز و قدس خدا و مذبح و آناييرا که در آن عبادت ميکنند پيمايش نما و سخن خارج قدسرا بيرون انداز و آترا مپيما زيرا که بامتها داده شده است و شهر مقدسرا چهل و دو ماه پايماي خواهند نمود ". از اين ني مقصود انسان کامليست که تشبيه به ني گشته و وجه تشبيه اينست . ني چون درونش فارغ شود و از هر چيز خالي گردد نغمات بديعي حاصل کند و همچنين آواز و آهنگ او از خود او نيست بلکه الحان في الحقيقه از نائيتست که در او ميدمد همچنين آن نفس مبارک قلب مقدسش از ما سوي الله فارغ و خالي و از تعلق بسائر شئون نفساني بيزار و بري و دمساز بنفس رحمانيست و هر بياني که ميفرمايد از او نيست بلکه از نائي حقيقي و وحی الهی است اينست که به ني تشبيه ميفرمايد . و آن ني مانند عصاست يعني معين هر عاجز است و شخص امکانرا تکیه گاهست و عصای شبان حقيقي است که بواسطه او اغنام خويشرا شباني ميفرمايد و در چمن زار ملکوت سير و حرکت ميدهد . و ميفرمايد که آن شخص بمن گفت " برخيز و قدس خدا و مذبح و آنايیکه در آن عبادت ميکنند پيما " يعني موازنه کن ذرع نما ذرع کشف کميّت است . يعني آن شخص گفت که قدس الاقداس و مذبح و آناييرا که در آن عبادت ميکنند موازنه نما يعني حقيقت حال آنا ترا جستجو کن و کشف نما که در چه رتبه و مقامی هستند و بچه شئون و کجالات و سلوک و صفات هستند و باسرار آن نفوس مقدسه ای که در قدس الاقداس مقام تقدیس و تنزيه استقرار دارند مطلع شو " و سخن خارج قدسرا بيرون انداز و آترا مپيما زيرا بامتها داده شده ". در اوائل قرن سابع ميلاد که اورشليم استيلا شد قدس الاقداس بظاهر ظاهر نیز محفوظ ماند يعني آن بيت که سليمان ساخته اما بيرون قدس الاقداس سخن خارج ضبط شد و بامتها داده شد . و شهر مقدسرا چهل و دو ماه پايماي خواهند نمود " يعني امّتها چهل و دو ماه که عبارت از هزار و دويست و شصت روز است و هر روزی عبارت از يك سال که باين حساب هزار و دويست و شصت سال ميشود که مدت دور قرآنت اورشليم را ضبط و استيلا مينمايند . زيرا بنصّ کتاب مقدس هر روز عبارت از يك سال است چنانچه در اصحاح چهارم از کتاب حزقيال در آيه ششم ميفرمايد " پس چهل روز متحمل گاه خاندان يهودا خواهی شد هر روزیرا بجهت تو سالی قرار دادهام ". اين اخبار از مدت ظهور اسلام است که اورشليم پايماي شد يعني احترامش باقي نماند ولی قدس الاقداس محفوظ و مصون و محترم ماند . و اين قضيه هزار و دويست و شصت سال امتداد داشت و اين هزار و دويست و شصت سال اخبار از ظهور حضرت اعلي باب جمال مبارکست که در هزار و دويست و شصت هجری واقع شد و چون مدت هزار و دويست و شصت روز منقضی



ORIGINAL



AUDIO

شد حال اورشلیم شهر مقدّس دوباره بنای معموری و آبادی گذاشته و هر کس اورشلیم را شصت سال پیش دیده بود حال نیز ببیند ملاحظه میکند که چقدر معمور و آباد گشته و دوباره محترم شده . این معنی آیه رؤیای یوحناست بظاهر اما این آیه را تأویل و رمزپست دیگر و آن اینست که شریعة الله بر دو قسم منقسم یک قسم اصل اساس است روحانیاتست یعنی تعلق بفضائل روحانی و اخلاق رحمانی دارد این تغییر و تبدیل نمیکند این قدس الاقداس است که جوهر شریعت آدم و شریعت نوح و شریعت ابراهیم و شریعت موسی و شریعت مسیح و شریعت محمد و شریعت حضرت اعلی و شریعت جمال مبارک است و در دوره جمیع انبیا باقی و برقرار ابداً منسوخ نمیشود . زیرا آن حقیقت روحانی است نه جسمانیّه آن ایمانست عرفانست ایقانست عدالت است دیانت است مروّتست امانتست محبّه الله است مواسات در حالست رحم بر فقیرانست و فریاد رسی مظلومان و انفاق بر بیچارگان و دستگیری افتادگانست پاکی و آزادگی و افتادگی است و حلم و صبر و ثباتست این اخلاق رحمانیست این احکام ابداً نسخ نمیشود بلکه تا ابد الابد مرعی و برقرار است . این فضائل عالم انسانی در هر دوری از ادوار تجدید گردد زیرا در اواخر هر دوره ای شریعة الله روحانیّه یعنی فضائل انسانیّه از میان میرود و صورتش باقی میماند . مثلاً در میان یهود در اواخر دور موسوی مقارن ظهور عیسوی شریعة الله از میان رفت صورتی بدون روح باقی ماند قدس الاقداس از میان رفت و سخن خارج قدس که عبارت از صورت شریعت است در دست امّتها افتاد و همچنین اصل شریعت حضرت مسیح که اعظم فضائل عالم انسانیست از میان رفته و صورتش در دست قسّیسن و رهابین مانده و همچنین اساس شریعت حضرت محمد از میان رفته و صورتش در دست علمای رسوم مانده آن اساس شریعة الله که روحانی و فضائل عالم انسانیست غیر منسوخ و باقی و برقرار و در دوره هر پیغمبری تجدید میگردد . باری قسم ثانی از شریعة الله که تعلق بعالم جسمانی دارد مثل صوم و صلوة و عبادات و نکاح و طلاق و عتاق و محاکمت و معاملات و مجازات و قصاص بر قتل و ضرب و سرقت و جروحات این قسم از شریعت که تعلق بجسمانیات دارد در هر دوری از ادوار انبیا تبدیل و تغییر یابد و منسوخ گردد زیرا در سیاسات و معاملات و مجازات و سائر احکام باقتضای زمان لابد از تغییر و تبدیلیست . باری از کلمه قدس الاقداس مقصد آن شریعت روحانیّه است که ابداً تغییر و تبدیل نمیکند و منسوخ نمیشود و مقصد از شهر مقدّس شریعت جسمانیّه است که منسوخ میشود و این شریعت جسمانیّه که تعبیر بشهر مقدّس فرموده هزار و دویست و شصت سال پایمال میشود . " و بدو شاهد خود خواهم داد که پلاس پوشیده مدت هزار و دویست و شصت روز نبوت نمایند " . مقصود از این دو شاهد حضرت محمد رسول الله و جناب علی بن ابی طالبست . در قرآن مذکور است که خدا بجمّد رسول الله خطاب میفرماید " اِنَّا جَعَلْنَاكَ شَاهِدًا وَّ مُبَشِّرًا وَّ نَذِيرًا " یعنی تو را شاهد و تبشیر دهنده و تحویف کننده از قهر خدا قرار دادیم معنی شاهد این است که امور بتصدیق او ثابت میگردد و این دو شاهد احکامشان هزار و دویست و شصت روز که هر روز عبارت از یک سالست جاریست . اما حضرت محمد اصل بود و علی فرع مثل حضرت موسی و یوشع . میفرماید ( آن دو شاهد پلاس در بر کرده ) یعنی بظاهر لباس جدیدی در بر ندارند لباس قدیم دارند یعنی در بدایت در انظار ملل سائره رونقی ندارند و امرشان امر جدیدی بنظر نیاید زیرا روحانیات شریعتش مطابق روحانیات حضرت مسیح در انجیل است و احکام جسمانیاتش اغلب مطابق احکام تورات است لباس قدیم کتایه از آنست . بعد میفرماید " اینانند دو درخت زیتون و دو چراغدان که در حضور خداوند زمین ایستاده اند " . این دو نفرسا بدو درخت زیتون تشبیه میفرماید زیرا در آن زمان چراغهای شب جمیع بروغن زیتون روشن میشد دو نفس که از آنان دهن حکمت الهیه که سبب روشنائی عالم است ظاهر خواهد گشت و انوار الهی ساطع و لامع خواهد شد لهذا بچراغدان نیز تشبیه شدند چراغدان محلّ نور است از آن نور ساطع میشود بهمین قسم از این وجوه نورانیّه نور هدایت مشرق و لائح است . بعد میفرماید که " در حضور خداوند

ایستاده‌اند " یعنی بخدمت حق قیام دارند و خلق خدا را تربیت میکنند مثل آنکه قبائل عربان متوحش بادیه را در جمیع جزیره العرب چنان تربیت نمودند که در آن زمان باعلی مرقی مدینت رسیدند و صیت و شهرتشان جهانگیر شده . " و اگر کسی بخواهد بدیشان اذیت رساند آتشی از دهانشان بدر شده دشمنان ایشانرا فرو میگیرد . مقصد اینست که نفسی مقاومت ایشان نتواند یعنی اگر نفسی بخواهد در تعلیماتشان و یا در شریعتشان وهنی وارد آرد بموجب شریعتی که از دهانشان اجمالاً و تفصیلاً ظاهر شده احاطه بآنها کند آنها را تمام نماید و هر کس قصد اذیت و بغض و عداوت ایشان کند حکمی از دهان ایشان صادر شود که دشمنان ایشان را محو نماید چنانچه واقع گشت که جمیع اعدای ایشان مغلوب و مهزوم و معدوم گشتند و بظاهر ظاهر خدا آنانرا نصرت فرمود . بعد میفرماید " اینها قدرت بر بستن آسمان دارند تا در ایام نبوت ایشان باران نبارد " یعنی در آن دوره سلطانتد یعنی شریعت و تعالیم حضرت محمد و بیان و تفسیر علی فیض آسمانیست چون بخواهند این فیض را بدهند مقتدر بر آند و چون خواهند باران نبارد باران در اینجا بمعنی فیض است . بعد میفرماید " و قدرت بر آنها دارند که آنها را بخون تبدیل نمایند " یعنی نبوت حضرت محمد چون نبوت حضرت موسی است و قوت حضرت علی چون قوت حضرت یوشع است که اگر خواهند آب نیل را بر قبطیان و منکران خون نمایند یعنی آنچه سبب حیات آنانست بسبب جهل و استکبارشان علت موت آنان نمایند مثلاً سلطنت و ثروت و قدرت فرعون و مسکنت فرعونیان که سبب حیات آن قوم بود از اعراض و انکار و استکبار علت موت و هلاکت و اضمحلال و ذلت و مسکنت گردید لذا آن دو شاهد اقتدار بر اهلاک اقوام دارند . و میفرماید " جهانرا هر گاه بخواهند بانواع بلایا مبتلی خواهند کرد " یعنی قدرت و غلبه ظاهره نیز دارند که اشقیاء و نفوسی که ظلم و اعتساف صرفند آنانرا تربیت نمایند زیرا خدا باین دو شاهد قدرت ظاهره و قوت باطنه عنایت فرموده چنانچه اشقیاء و خونخواران و ستمکاران عربان بادیه را که مانند ذئاب و سباع درنده بودند تأدیب نمودند و تربیت کردند . بعد میفرماید " و چون شهادت خود را باتمام رسانند " یعنی چون آنچه را که مأمورند مجری دارند و تبلیغ رسالات الهیه نمایند و ترویج شریعة الله کنند و تعالیم سماویة منتشر کنند تا آثار حیات روحانی در نفوس پدیدار گردد و انوار فضائل عالم انسانی بتابد و ترقیات کلیه در اقوام بادیه حاصل گردد ، میفرماید " آن وحش که از هاویه بر میاید با ایشان جنگ کرده غلبه خواهد یافت و ایشانرا خواهد کشت . " مقصد از این وحش بنوامیه است که از هاویه ضلالت هجوم نمودند و همچنین واقع گشت که بنوامیه بر شریعت محمدیه و حقیقت علویه که محبة الله باشد هجوم نمودند و میفرماید با این دو شاهد جنگ نمود مراد جنگ روحانی یعنی بکلی مخالف تعلیمات و روش و سلوک آن دو شاهد حرکت نمایند و فضائل و کمالاتی که بقوه آن دو شاهد در میان اقوام و قبائل منتشر شده بود بکلی زائل و شئون حیوانیه و شهوات نفسانیه غالب خواهد گشت لذا آن وحش با ایشان جنگ کرده غلبه خواهد یافت یعنی ظلمت ضلالت آن وحش آفاق عالم را استیلا خواهد نمود و آن دو شاهد را خواهد کشت یعنی حیات روحانی ایشانرا در بین ملت محو خواهد کرد و بکلی آن شرایع و تعلیمات الهیه را از میان خواهد برد و دین الله را پایمال خواهد نمود و باقی نخواهد ماند مگر یک جسد مرده بی روحی . بعد میفرماید " و بدنهای ایشان در شارع عام شهر عظیم که بمعنی روحانی بسدوم و مصر مسمی است جائی که خداوند ایشان نیز مصلوب گشت خواهد ماند " مقصود از بدنهای ایشان شریعة الله است و مقصود از شارع عام معرض عمومی است و مقصود از سدوم و مصر جائی که خداوند ایشان نیز مصلوب گشت این قطعه سوریه است و بالاخص اورشلیم چونکه بنی امیه در اینجا سلطنت داشتند و شریعة الله و تعالیم الهیه اول در اینجا از میان رفت و یک جسد بی روحی باقی ماند و مقصود از بدنهای ایشان شریعة الله است که مثل جسد مرده بی روح مانده بود . بعد میفرماید " و گروهی از اقوام و قبائل و زبانها و امتها بدنهای ایشانرا سه روز و نیم نظاره میکنند ولی اجازت نمیدهند که بدنهای ایشانرا بقبر سپارند " . چنانچه از پیش بیان شد که باصطلاح کتب مقدسه

سه و روز و نیم عبارت از سه سال و نیم است و سه سال و نیم عبارت از چهل و دو ماه و چهل و دو ماه عبارت از هزار و دویست و شصت روز است و هر روز بنص کتاب مقدس عبارت از یک سالست یعنی هزار و دویست و شصت سال که عبارت از دوره فرقانست امّتها و قبائل و اقوام جسد ایشانرا نظاره میکنند یعنی شریعة الله را تماشا میکنند لکن بموجب آن عمل نمینمایند ولی اجازت نمیدهند که بدنهای ایشان یعنی شریعة الله بقبر سپرده شود یعنی اینها بظاهر بشریعة الله تشبث نمایند و نگذارند که بکلی از میان برود و جسد بکلی محو و نابود گردد بلکه بحقیقت ترک نمایند ولی بظاهر شریعة الله را ذکر و اسمی باقی بگذارند . و مقصود از این قبائل امم و مللی بود که در ظلّ قرآن محشور هستند که نگذارند بکلی امر الله و شریعة الله بظاهر ظاهر نیز محو و نابود گردد چنانچه نماز و روزه ای در میان بود ولی اسّ اساس دین الله که آن اخلاق و رفتار و اسرار و روحانیات است از میان رفت انوار فضائل انسانی که از نتایج محبة الله و معرفة الله است غروب نمود و ظلمات ظلم و اعتساف و شهوات و رذائل شیطانی غالب گشت و شخص شریعة الله چون جسد مرده در معرض عمومی موجود بود و در مدّت هزار و دویست و شصت روز که هر روزی عبارت از یک سال است و این مدّت دور محمدیست آنچه این دو نفر تأسیس کردند و اساس شریعة الله بود امّت از دست دادند فضائل عالم انسانی را که مواهب الهیه و روح این شریعت بود آنرا محو کردند بقسمی که صداقت و عدالت و محبت و الفت و تنزیه و تقدیس و انقطاع جمیع صفات رحمانیه از میان رفت از شریعت یک صلوة و صیام باقی ماند و ۱۲۶۰ سال که عبارت از دوره فرقانست این حال امتداد یافت و مانند آن بود که این دو شخص فوت شده باشند و جسدشان بی روح باقی مانده باشد . بعد میفرماید " و ساکنان زمین بر ایشان خوشی و شادمانی کنند و نزد یکدیگر هدایا خواهند فرستاد از آن رو که این دو نبی ساکنان زمین را معذب ساختند " مقصود از ساکنان زمین ملل و اقوام سائر چون امم اروپا و اقصی بلاد آسیاست که چون ملاحظه نمودند که اخلاق اسلام بکلی تغییر کرده و شریعة الله را ترک نموده اند و فضائل و حمیت و غیرت از میان رفت اخلاق تبدیل یافت خوشی و شادی نمودند که فساد اخلاق در ملت اسلام حاصل گشت مغلوب اقوام سائر خواهند شد چنانچه این قضیه در کمال وضوح ظاهر شد . ملاحظه مینمائید که این ملت که در نهایت درجه اقتدار بود حال چگونه اسیر و ذلیل گشته و اقوام سائر نزد یکدیگر هدایا فرستادند یعنی معاونت یکدیگر نمودند زیرا این دو نبی ساکنان زمین را معذب ساختند یعنی ملل و اقوام سائر عالم را غالب شدند و مغلوب نمودند . بعد میفرماید " بعد از سه روز و نیم روح حیات از خداوند بدیشان در آمد که بر پاهای خود ایستادند و بینندگان ایشانرا خونی عظیم فرو گرفت " . سه روز و نیم یعنی ۱۲۶۰ سال چنانکه تفصیلش از پیش گذشت آن دو شخص که جسمشان بی روح افتاده بود یعنی تعالیم و شریعتی که حضرت محمد تأسیس و حضرت علی ترویج کرده بود و حقیقتشان از میان رفته بود و صورتی باقی مانده بود دوباره روحی بآن جسد آمد یعنی آن اساس و تعالیم دوباره تأسیس شد یعنی روحانیات شریعة الله که بجسمانیات و فضائلی که برذائل و محبة الله که ببغضاء و نورانیتی که بظلمات و اخلاق رحمانی که بشیطانی و عدلی که بظلم و رحمتی که ببغض و صدق که بکذب و هدایتی که بضالت و طهارتی که بشهوات نفسانیه تبدیل شده بود بعد از سه روز و نیم که باصطلاح کتب مقدسه ۱۲۶۰ سالست دوباره آن تعالیم الهیه و فضائل و کمالات رحمانیه و فیوضات روحانیه بظهور حضرت اعلی و تبعیت جناب قدّوس تجدد شد و نفحات قدس وزید و انوار حقیقت تابید و موسم بهار جان پرور رسید و صبح هدایت دمید آن دو جسم بی جان دوباره زنده شدند و این دو بزرگوار یکی مؤسس و دیگری مروج قیام کردند و دو چراغدان بودند زیرا بنور حقیقت جهانرا روشن نمودند . بعد میفرماید " آوازی از آسمان شنیدند که بدیشان میگوید باینجا صعود نمائید پس در ابر با آسمان بلند شدند " یعنی ندای حق را از آسمان پنهان شنیدند که آنچه باید و شاید از تعلیم و تبشیر مجری داشتید و پیام مرا بخلق رسانیدید و ندای حق را بلند نمودید و تکالیف خود را مجری

داشتید حال باید مانند مسیح جانان کنید و شهید گردید و آن آفتاب حقیقت و قمر هدایت هر دو مانند حضرت مسیح در افق شهادت کبری غروب نموده با آسمان ملکوت صعود نمودند . بعد میفرماید " و دشمنانشان ایشان را دیدند " یعنی دشمنان ایشان بسیاری بعد از شهادت مشاهده علو منزلت و سمو منقبت ایشانرا نمودند و شهادت بر عظمت و کمالات آنان دادند . بعد میفرماید " و در همان ساعت زلزله عظیم حادث گشت که ده یک از شهر منهدم گردید و هفت هزار نفر از زلزله هلاک شدند " این زلزله در شیراز بعد از شهادت حضرت اعلی واقع گردید که شهر زیر و زیر شد و نفوس بسیاری هلاک شدند و همچنین اضطراب شدید از امراض و وبا و قحط و غلا و جوع و ابتلا حاصل گشت که مثل و مانند نداشت . بعد میفرماید " و باقی ماندگان ترسان گشته خدای آسمانرا تمجید کردند " . چون زلزله در فارس واقع جمیع بازماندگان شب و روز ناله و فغان مینمودند و بتمجید و تسبیح مشغول و چنان خائف و مضطرب بودند که شبها خواب و راحت نداشتند . پس میفرماید " وای دوم در گذشته است اینک وای سوم بزودی میآید " وای اول ظهور حضرت محمد بن عبد الله علیه السلام وای دوم حضرت اعلی له المجد و الثناء وای سوم یوم عظیم است که یوم ظهور ربّ جنود و تجلّی جمال موعود است و بیان این مطلب در کتاب حزقیال فصل سیام مذکور است چنانچه میفرماید " و کلام خداوند بر من نازل شده گفت ای پسر انسان نبوت کرده بگو خداوند یهوه چنین میفرماید ولوله کنید و بگوئید وای بر آنروز زیرا که آنروز نزدیکست و روز خداوند نزدیکست " . پس معلوم شد که روز وای روز خداوند است زیرا در آنروز وای بر غافلانست وای بر گنه کارانست وای بر جاهلانست اینست که میفرماید وای دوم در گذشت اینک وای سوم بزودی میآید و این وای سوم روز ظهور جمال مبارکست یوم الله است و نزدیکست بیوم ظهور حضرت اعلی . بعد میفرماید " و فرشته هفتم بناوخت که ناگاه صداهای بلند در آسمان واقع شده که میگفتند سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد و تا ابد الابد حکمرانی خواهد کرد " . آن فرشته انسانست که بصفت ملکوتیه متّصف که بخلق و خوی فرشتگان مبعوث شود و ندهائی بلند شود که ظهور مظهر الهی نشر و اعلان شود که یوم ظهور ربّ جنود است و دوره دوره رحمانی حضرت پروردگار و در جمیع کتب و صحف انبیا موعود و مذکور که در آن یوم خداوند سلطنت الهیه روحانیه تشکیل میشود و جهان تجدید میگردد و روح جدیدی در جسم امکان دمیده میشود و موسم بهار الهی آید ابر رحمت ببارد و شمس حقیقت بتابد و نسیم جان پرور بوزد و عالم انسانی قیص تازه در بر نماید روی زمین بهشت برین گردد عالم بشر تربیت شود جنگ و جدال و نزاع و فساد از میان برخیزد و راستی و درستی و آشتی و خدا پرستی بمیان آید و الفت و محبت و یگانگی جهانرا احاطه کند و خداوند تا ابد الابد حکمرانی خواهد کرد یعنی سلطنت روحانیه ابدیه تشکیل میشود و آن یوم الله است . زیرا جمیع ایامی که آمده و رفته است ایام موسی بوده ایام مسیح بوده ایام ابراهیم بوده و همچنین ایام سائر انبیا بوده اما آن یوم یوم الله است زیرا شمس حقیقت در نهایت حرارت و اشراق طلوع خواهد کرد . بعد میفرماید " و آن بیست و چهار پیر که در حضور خدا بر تختهای خود نشسته اند بروی در افتاده خدا را سجده کردند و گفتند ترا شکر ای خداوند خدای قادر مطلق که هستی و بودی و خواهی آمد زیرا که قوت عظیمه بدست گرفته بسطنت پرداختی " . و در هر دوری اوصیا و اصفیا دوازده نفر بودند در ایام حضرت یعقوب دوازده پسر بودند و در ایام حضرت موسی دوازده نقیب رؤسای اسباط بودند و در ایام حضرت مسیح دوازده حواری بودند و در ایام حضرت محمد دوازده امام بودند . و لکن در این ظهور اعظم بیست و چهار نفر هستند دو برابر جمیع زیرا عظمت این ظهور چنین اقتضا نماید این نفوس مقدسه در حضور خدا بر تختهای خود نشسته اند یعنی سلطنت ابدیه میکنند و این بیست و چهار نفوس بزرگوار هر چند بر سریر سلطنت ابدیه استقرار دارند با وجود این بآن مظهر ظهور کلی ساجدند و خاضع و خاشع و گویند که ترا شکر میکنیم " ای خداوند قادر مطلق که بودی و هستی و خواهی آمد

زیرا قوت عظیم خود را بدست گرفته بسطت پرداختی " یعنی تعلیمات خود را بتمامه اجرا خواهی کرد و جمیع من علی الارض را در ظلّ خویش جمع خواهی نمود و تمام بشر را در سایه یک خیمه خواهی آورد . و هر چند سلطنت دائماً لله بوده و همیشه خدا سلطنت داشته و دارد و لکن در اینجا مقصد سلطنت مظهر نفس اوست که جمیع احکام و تعالیمی که روح عالم انسانی و حیات ابدیست اجرا خواهد کرد و آن مظهر کلی بقوای روحانیّه جهانرا بگشاید نه بجنگ و جدال و بصلح و سلام بیاراید نه بسیف و سنان و این سلطنت الهیه را بحبّت صحیحه تأسیس کند نه بقوت حریه و این تعالیم الهیه را بمهربانی و صلاح ترویج نماید نه بدرشتی و سلاح و چنان تربیت کند که امم و ملل هر چند در تبیین احوال و اختلاف عادات و اخلاق و تنوع ادیان و اجناس مانند گرگ و بره و مار و طفل شیر خواره و پلنگ و بزغاله‌اند با هم همدم و هم آغوش و هم راز گردند بکلی منافرت جنسی و مخالفت دینی و مابینت ملی زائل و کلّ در ظلّ شجره مبارکه نهایت الفت و التیام خواهند یافت . بعد میفرماید " و امّتها خشمناک شدند " زیرا که تعالیم تو مبین هوای نفسانی سائر ملل بود ، " غضب تو ظاهر گردید " یعنی کلّ بخسرا مبین مبتلی شدند زیرا متابعت وصایا و نصایح و تعالیم تو ننمودند و از فیض ابدی تو محروم گشتند و از انوار شمس حقیقت محبوب شدند . بعد میفرماید " و وقت مردگان رسید تا بر ایشان داوری شود " یعنی وقت آن رسید که مردگان یعنی نفوسی که از روح محبه الله محروم و از حیات مقدّس ابدیه بی نصیب هستند بعدالت حکم شوند یعنی بآنچه استحقاق و استعداد دارند مبعوث گردند و حقیقت این اسرار را واضح گردانی که در چه درجه پستی در عالم وجود هستند که فی الحقیقه حکم اموات دارند . بعد میفرماید " تا بندگان یعنی انبیا و مقدّسان و ترسندگان نام خود را چه کوچک و چه بزرگ اجرت دهی " یعنی تا ابرار را بفضل بی منتهی مختصّ بگردانی و آنانرا مانند ستاره‌های آسمانی از افق عزّت قدیمه درخشنده فرمائی بروش و سلوکی موقّف فرمائی که روشنی عالم انسانیت و سبب هدایت و علّت حیات ابدیه در ملکوت یزدانی . بعد میفرماید " و مفسدان زمین را فاسد گردانی " یعنی نفوس غافله را بکلی محروم کنی زیرا کوری کوران ظاهر گردد و بینائی بینایان آشکار شود جهل و نادانی اهل ضلالت مشهود شود و علم و دانائی اهل هدایت واضح گردد و از اینجهت مفسدان فاسد شوند . بعد از این مقام میفرماید " و قدس خدا در آسمان مفتوح گشت " یعنی اورشلیم الهی پیدا شد و قدس الاقداس ظاهر گشت قدس الاقداس در اصطلاح اهل عرفان جوهر شریعت الهی و تعالیم حقیقی ربّانی است که در هیچ دوری از ادوار انبیا تغییر نیافته است چنانچه از پیش بیان شد و اورشلیم شامل حقیقت شریعت الهیه است که قدس الاقداس است و جامع احکام و معاملات و عبادات و قوانین جسمانیّه است که شهر اورشلیم است این است که اورشلیم آسمانی گفته میشود خلاصه چون در آن دوره شمس حقیقت انوار الهی در نهایت سطوع درخشنده گردد لهذا جوهر تعالیم الهی در عالم امکانی تحقّق یابد و ظلمات جهل و نادانی زائل گردد جهان جهان دیگر شود و نورانیت احاطه نماید لهذا قدس الاقداس ظاهر گردد . بعد میفرماید " و قدس خدا در آسمان مفتوح گشت " یعنی بسبب انتشار این تعالیم الهیه و ظهور این اسرار ربّانیّه و اشراق شمس حقیقت ابواب فلاح و نجات در جمیع جهات مفتوح گردد و آثار خیر و برکات سماویّه آشکار شود . بعد میفرماید " و تابوت عهد نامه او در قدس او ظاهر شد " یعنی کتاب عهد او در قدس او ظاهر شود و لوح میثاق ثبت گردد و معانی عهد و پیمان آشکار شود صیت الهی شرق و غرب گیرد و آوازه امر الله جهانگیر شود اهل نقض خوار و ذلیل شوند و اهل ثبوت عزیز و جلیل گردند زیرا بکتاب عهد متمسکند و در میثاق ثابت و مستقیم . بعد میفرماید " و برقهها و صداها و رعداها و زلزله و تگرگ عظیمی حادث شد " یعنی بعد از ظهور کتاب عهد طوفان عظیمی پیدا شود و برق قهر و غضب الهی درخشد و صدای رعد نقض میثاق بلند گردد و زلزله شبهات حاصل شود و تگرگ عذاب بر ناقضین میثاق ببارد و مدعیان ایمان بفتنه و امتحان افتند .